

سر‌تیب رش‌دیه بسال ۱۲۷۵ خورشیدی  
در تبریز چشم بجهان گشوده است . تحصیلات  
ابتدائی را در مدرسه رش‌دیه که مؤسس آن پدرش  
بود پایان برد و دوره دبیرستان را در دارالفنون  
بانجام رسانید .



در سال ۱۲۹۷ بخدمت ژاندارمری درآمد  
و بسال ۱۲۹۹ کناره گرفت و از سال ۱۳۰۰ بنا  
بدعوت رؤسای مدرسه نظام و دانشکده افسری  
بتدریس ادبیات پرداخت و این خدمت را تاکنون  
نیز متصدی است .  
تالیفات ایشان عبارتست از : ۱ - مفاخر ایران ۲ -  
گنجینه ادعیه ۳ - تفسیر کلام الله مجید و یکرمان  
تاریخی

شمس‌الدین رش‌دیه

## قرارداد وثوق الدوله و حوادث مربوط به آن

بنام خدای قهار عدالت گستر

این یادداشت در ذیحجه سال ۱۳۳۷ هجری قمری نوشته شده  
و اکنون بامقدمه‌ای از طرف نویسنده آن چاپ میشود

روزی در محفل حبیبیان سخن از قرارداد وثوق الدوله رفت همگان  
مایل شدند از کم و کیف آن خبری یابند دوسه تن را روی سخن با من شده که  
از دل‌بستگی من باین اطلاعات باخبر بودند با توجه باینکه تدریس تاریخ هم کار رسمی  
من بود گفتم آنروزها که این مرغ شوم بریام و خانه و کشور ما می‌نشست من  
معلم مدرسه صاحب‌منصبان ژاندارمری بودم .

و نظر باینکه میگویند از همان عهد شبایم عشق وطن در دل بود و مثل

اکثر جوانان امروزیا آنروز شور میهن پرستی در سر .

اگرچه مثل همه هموطنانم در آتش حسرتها میسوختم ولی با همه اینها  
جزئیات جریانرا که خود شاهد آنها بودم روز بروز نوشته بگوشه‌ی مینهادم

ومراقب بودم که بتاراج طبیعت نرود تا روزی بدست من یا بهمت صاحبذوقی بممرض طبع وانتشاردرآید .

امروزکه ذکرآن بمیان آمد بودن چنین اوراقیرا برقیقان گفتم همه را مسرتی دست داد که آب در کوزه وما تشنه لبان می گردیم . برآن شدند که بیچاپ وانتشارش اقدام کنند .

رساله نیکه اکنون بدست شما است مجموعه همان صفحات است که بعنایت آقای آدمیت ازنندان فراموشی رهایی یافته برای درج به مجله خاطرات وحید سپرده شده است .

خوشوقت قبل ازاینکه نام من ازرزبانها افتد وخود ازیادها بروم و این اوراقهم با ازپا افتادن من ازدست بروند دردسترس مردمان بخصوص جوانان وطن پرست قرارمیگیرند وازجریان شومی که بتمامیت ما تمام میشد باخبری می شوند وبطلوع کوب سعادت که دربحبوحه آن ظلمت و تاریکی باقطار کشور ما پرتوافکن گردیده نوررخشانش همه جا را روشن ساخت شکرگذار خدای مهربان بوده همه جا مدیحه خوان بنیانگذار این سعادت عظمی باشند وهم ازراه ادامه حقیقتنسی بکوشند تا پروانه شمع وجود شاهنشاه گرانقدر خود گردیده وحضرتش را جان نثاری لایق وفرمانبرداری مطیع وشایسته گردند .

\*\*\*



سه بعد ازظهر بود شنیدیم :  
مردم درمسجدشاه جمع شده اند و سخنرانها میشود با حکیم زاده از خانه بقصد مسجد شاه بیرون آمدیم و ازبازار بزازها داخل مسجد شاه شدیم ناطقین پس از نطقها ازگرسی پائین آمده مردم را برای رفتن بخانه صمصام السلطنه رئیس الوزراه آماده کرده اند و درحین حرکتند . داخل جمعیت شده انمسجد شاه بیرون آمدیم . درسه راه مسجد شاه ناطقی بگرسی رفته ازخانین وطن بد گویی

صمصام السلطنه

کرده ضمناً گفت رئیس الوزرای ما مصمص السلطنه مرد با تعصبی است از او میخواهیم نگرانی ملت را از انتخاب وثوق الدوله ( مردم فریاد زدند مرده باد ) بریاست وزرا بعرض اعلیحضرت رسانده استدعا کنند که از این انتخاب صرف نظر فرمایند . ( زیرا که شهرت یافته بود که شاه بمصمص السلطنه گفته است از رئیس الوزرائی استعفا بده که در نظر است وثوق الدوله زمامدار باشد ) این سومین بار است که این مرد خائن بر رئیس الوزرائی میرسد و با اجانب رابطه ها دارد و بطور ساده عامل اجرائیات آنها است .

خلاصه ناطق تکلیف کرد که برویم منزل مصمص السلطنه همه گفتند برویم . همه بطرف منزل او براه افتادیم و بمنزل او که اواسط خیابان اسلامبول است رسیدیم در باز بود با فریاد مرده باد وثوق الدوله و زنده باد مصمص السلطنه داخل باغ شدیم مصمص السلطنه بایوان آمده در گوشه یی قرار گرفت ناطقی بسکورفته منویات ملت و تنفر عمومی را از وثوق الدوله و پشتیبانی از مصمص السلطنه را اعلام داشت گفت همه تقاضا داریم تنفر ما را از این خائن بعرض اعلیحضرت برسائید البته پادشاه وطن پرست و رعیت دوست است ( جمعیت البته البته ) و رضایت عامه را طالبند و مملکت را بدست این خائن نخواهند سپرد .

مصمص السلطنه گفت از حقیقت شناسی شما بسیار بسیار متشکرم و پشتیبان من پس از خدای متعال شما فید و مطمئنم اعلیحضرت همایونی هرگز برخلاف رضای ملت قدمی بر نمی دارند ( مردم زنده باد شاهنشاه ) .

عریض شمارا بعرض ملوکانه میرسانم و بشما هم اطمینان میدهم که قبول خواهند فرمود فعلاً آرام باشید و انقلاب نکنید و با اطمینان کامل دنبال کار خود بروید فردا صبح بحضور شاهنشاه شرفیاب میشوم و عریض شما را بسمع مبارک می رسانم .

فردا گذشت پس فردا هم جمعه بود گذشت شبیه شهرت یافت که شاه مصمص السلطنه را از ریاست وزرا معزول و وثوق الدوله را بریاست وزرا انتخاب و مأمور تشکیل کابینه کرده است .

وثوق الدوله همان خائنی است که در رئیس الوزرائی سابق در هیئت دولت از انقلاب ملی آذربایجان انتقاد کرده گفته بود : ( آذربایجان عضو شقاقولوس گرفته است باید از پیکر ایران جدا شود . ) از این گفتارش مردم همه او را بسا تف و لعنت یاد می کنند در همان روزها که این جسارت را کرده بود عارف تصنیف ساز بر دست ملی ما تصنیفی ساخت که میخواندیم :

آن ناکست که عضو فلج خواند      عضوش فلج خواه لالش زبان باد



وثوق الدوله

جان برخی آذربایجان خواند  
در صورت اجنبی پرستی این  
مرد بر همه ثابت و آشکار بود .

این بی پر هم بیرحم بود هم  
جسور هم صاحب تدبیر هم جاه طلب  
روحاً مستبد و خودخواه در تمام عمرش  
هرگز راجع ب وطن و وطن پرستی از  
او جمله بی شنیده نشده است و پرستی  
بی وطن بود .

این مطلب را اینجا داشته باشید  
که از احوال دنیا هم سر و سراغی بگیریم  
باز بمطلب خود بر میگردیم .

جنگ جهان سوز بین المللی تمام شده بشر از دفن هفت میلیون فرزند خود  
مختصر فراغت یافته در مراجعت از قبرستانها ویرانه های بیحسابی را که یادگار  
جنگ است دیده مات و مبهوت مانده است که اصلاحات را از کجا شروع کند و  
خرابیه را چگونه ترمیم نمایند هر کجا مینگرند جز بر بادی و زوال و نکبت  
نمی بینند .

حتی ممالکی هم که با اعلان بیطرفی در جنگ دخالتی نداشتند از این  
آتش بر کنار نمانده هزاران تلفات جانی داده میلیونها خسارات مالی دیده اند .  
از این جمله کشور ما است که با اعلان بیطرفی مورد اشتغال محاربین واقع  
شده جوانها از دست داده هر ج و مرجها دیده و بد بختها کشیده از سم ستوران اجانب  
و پنجه قهار بیگانگان مصیبت فراوان و خسارت بی پایان بوی رسیده است .

اکنون که آتش جنگ فرو نشسته و سرخی افق بر کنار شده است بازماندگان  
مقتولین کشورها در صدد اصلاحات بر آمده مقررند آنند که از فرصت استفاده  
کرده در احقاق حق خود بکوشند و کشتی وطن خود را از خطرات بساحل  
نجات برسانند . متأسفانه ناخدائی کشتی ما بمناسر بیگانه پرست ناصالحی سپرده شده  
است که جیب از زر اغیار پر کرده اسارت نامه به موطنان و انقراض کشور را  
امضا کرده اند . حکومت جا بره بر یقانیای کبیر که در توسعه مستعمرات خود در قاره

آسیا توفیق تمامی یافته امپراطوری وسیع عثمانی را متلاشی ساخته اعضای ازهم جدا شده آنرا تحت نفوذ سیاسی خود در آورده است از سرگرمی رقیب بزرگ خود روسیه استفاده کرده در صدد است شاهنشاهی ایران را ضمیمه مستعمرات خویش سازد .

با نفوذی که در دربار بدست آورده است شاه را واداشت که از مصمص السلطنه نخست وزیر استعفا بخواهد او استعفا نداده جواب داد که در مملکت مشروطه عزل نخست وزیر با مجلس شورا ایملی است و تا مجلس تشکیل نشده است من نخست وزیرم با همه اینها شاه وثوق الدوله را بنخست وزیری انتخاب کرد دولت مصمص السلطنه از اشخاص زیر تشکیل می شد :

مصمص السلطنه رئیس الوزرا و وزیر داخله .

حکیم الملک وزیر علوم .

مشاور الممالک وزیر امور خارجه .

مشاور السلطنه وزیر پست و تلگراف .

امیر مقخم بختیاری وزیر جنگ .

نصر الملک وزیر عدلیه .

معین الوزاره وزیر تجارت و فواید عامه .

مشاور الملک وزیر مالیه .

### کابینه وثوق الدوله

وثوق الدوله دولت خود را از اشخاص زیر تشکیل داد :

وثوق الدوله نخست وزیر و وزیر کشور .

مشاور الممالک انصاری وزیر امور خارجه .

صادم الدوله اکبر میرزا وزیر دادگستری .

نصرت الدوله فیر و وزیر دارائی .

فتح الله خان سپهدار اعظم وزیر جنگ .

نصیر الدوله بدر ( از اقوام وثوق الدوله ) وزیر فرهنگ .

دبیر الملک وزیر فلاحت و تجارت .

دبیر الملک پس از چند ماه وزارت مرد و حسن مشاور الملک از اقوام وثوق الدوله

داخل کابینه شد . مصمص السلطنه خود را بنخست وزیر میدانست و هفته ای سه روز هیئت دولتش را در منزل خود تشکیل میداد .

در عید نوروز آن سال دو بنخست وزیر با هیئت خود بسلام شاه آمدند .

ادامه دارد